

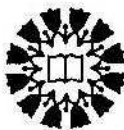
# تحولات سیاسی و اجتماعی ایران

۱۳۲۰-۱۳۲۲

دکتر صادق زیباکلام

تهران

۱۳۹۳



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

زیباکلام، صادق، ۱۳۲۷ -  
تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۲۲ / صادق زیباکلام. — تهران: سازمان  
مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم  
انسانی، ۱۳۸۳.  
شش، ۱۶۰ ص. — («سمت»؛ ۷۹۴. علوم سیاسی؛ ۲۶)  
ISBN 978-964-459-833-3  
پها: ۴۵۰۰۰ ریال.  
پشت جلد به انگلیسی: Sadegh Zibakalam. The Socio-Political History of Iran  
1941-1943.  
چاپ اول: تابستان ۱۳۸۳، چاپ ششم: تابستان ۱۳۹۳.  
کتابنامه: ص. [۱۶۰] - ۱۶۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
۱. سیاست و حکومت، ۱۳۲۰-۱۳۲۲. ۲. ایران - اوضاع اجتماعی،  
۱۳۲۰-۱۳۲۲. ۳. ایران - روابط خارجی، ۱۳۲۰-۱۳۲۲. ۴. ایران - تاریخ -  
پژوهش، ۱۳۵۷. الف. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها  
(سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.  
۳ ت ۹۴ ز R ۱۳۸۳  
۹۵۵/۰۸۲۴  
۱۳۸۳  
شماره کتابشناسی ملی ۲۱۶۳۳۷۹

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)  
مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی



تحولات سیاسی و اجتماعی ایران: ۱۳۲۰-۱۳۲۲  
دکتر صادق زیباکلام  
چاپ اول: تابستان ۱۳۸۳  
چاپ ششم: تابستان ۱۳۹۳  
تعداد ۵۰۰  
حروفچینی و لیتوگرافی: «سمت»  
چاپ: یاران (قم)، صحافی: زرین (قم)  
قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشنده و عوامل  
توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.  
نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)،  
روبهروی پمپ گاز، کد پستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۲-۴۴۲۴۶۲۵۰.  
www.samt.ac.ir info@samt.ac.ir

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر یا مؤلف، نشر یا  
بخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۷	فصل اول: زمینه‌های بیدایش عصر رضا شاه
۱۳	چرا مشروطیت موفق شد؟
۳۵	موانع تحقق مشروطیت
۵۴	فصل دوم: جامعه‌شناسی ایران بعد از عصر رضا شاه
۵۷	قدرت‌های خارجی
۶۰	قوه مقننه
۷۲	فصل سوم: الیگارشی حاکم و مجلس سیزدهم
۷۵	فراکسیون‌های مجلس سیزدهم
۷۶	فراکسیون اتحاد
۸۰	فراکسیون میهن
۸۴	فراکسیون اتفاق (آذربایجان)
۸۶	فراکسیون مستقل
۹۰	فراکسیون منفردین
۹۱	نخست‌وزیری محمدعلی فروغی (شهریور تا اسفند ۱۳۲۰)
۱۰۱	نخست‌وزیری علی سهیلی (اسفند ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۲۱)
۱۰۹	نخست‌وزیری احمد قوام‌السلطنه (مرداد تا بهمن ۱۳۲۱)
۱۲۰	شورش هفدهم آذرماه سال ۱۳۲۱

۱۳۵	فصل چهارم: نخستین تلاشهای محمدرضا شاه برای کسب قدرت
۱۴۳	اصلاحات، مستشاران خارجی و مأموریت آرتور میلیسو (۱۳۲۱-۱۳۲۳)
۱۵۲	تلاش شاه برای افزایش قدرت (فروردین تا اسفند ۱۳۲۲)

www.ketab.ir

## پیشگفتار

که رفته‌ای زدل که تمنا کنم تو را      کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را

این کتاب درباره سالهای نخست پس از سقوط رضا شاه است. این مقطع از تاریخ ایران که با اشغال کشور به وسیله ارتشهای متفقین از شهریور ۱۳۲۰ آغاز می‌شود و با کودتای نهمی ارتش به نفع محمدرضا شاه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به پایان می‌رسد بدون تردید از سبب‌های مهم‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران است. آنچه این فطرت جالب توجه و در عین حال پیچیده نموده حجم انبوهی از تحولات سیاسی و اجتماعی مهمی است که در این دوازده سال اتفاق افتاده است.

نخستین ویژگی مهم این مقطع رادیکالیسمی‌ای است که پس از سقوط دیکتاتوری نفس‌گیر رضا شاه به وجود آمد. ده‌ها حزب و تشکیلات سیاسی به همراه صدها روزنامه، هفته‌نامه و ارگان حزبی و تشکیلاتی در کشور انتشار یافت. پس از قریب دو دهه، انتخابات نسبتاً آزاد در کشور ضرورت آفرید. مجلس به جایگاه قانونی خود بازگشت و بسیاری از ابزار اختناق رضاشاهی بر زمین یا بشدت تضعیف شد. از نظر تحولات یا رخدادهای سیاسی و اجتماعی نیز تحولات مهمی صورت گرفت. شمال کشور (استانهای خراسان، سمنان، مازندران، گیلان، قزوین، زنجان، آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل) به اشغال کامل ارتش شوروی و ایلام، کرمانشاه، کردستان، همدان، خوزستان، فارس، بوشهر، اصفهان و کرمان به اشغال ارتش انگلستان در آمد. حکومت مقتدر و نیرومند رضا شاه که نزدیک به دو دهه بر ایران حکومت کرده بوده در کمتر از چند روز از هم فروپاشید. دیکتاتور مخوف

ایران که نامش برآستی لُرزه بر اندام ایرانیان می‌افکند در میان بهت و حیرت و ناباوری به وسیله متفکین در کمتر از یک هفته از قدرت کنار گذاشته شد و به افریقای جنوبی تبعید گردید (به دلیل همراهی با آلمان نازی علی‌رغم اعتراضات روسیه و انگلستان). آذربایجان غربی و کردستان عملاً از کشور جدا شد. جمهوری کردستان تشکیل گردید که مرکز آن در شهر مهاباد بود. استانهای آذربایجان شرقی، ارسبل، زنجان و بخشهایی از قزوین تا مرز جدایی از ایران پیش رفتند. خودداری و بروی سابق از خارج کردن ارتش از ایران پس از پایان جنگ جهانی دوم (۱۳۲۴)، به نخستین برخورد جدی میان آنچه بعدها به دو اردوگاه شرق و غرب و جنگ سرد منتهی یافت در ایران منجر شد. صنعت نفت پس از قریب نیم قرن که ملک عمده انگلستان بود ملی شد و خوزستان در خطر اشغال ارتش انگلستان قرار گرفت (۱۳۲۰-۱۳۲۱). درگترین جریان سیاسی رادیکال چپ در تاریخ حیات سیاسی ایران به نام «سازمان فدائیان» شکل گرفت و از طریق آن موج گسترده‌ای از افکار و ادبیات رادیکال چپ در ایران فلهور کرد. ناسیونالیزم یا ملی‌گرایی جدیدی به نام جبهه ملی ایران تولد یافت. نخستین جوانه‌های آنچه بعدها «نوگرایی دینی» در ایران نام گرفت در این سالها زده شد و سرانجام در یک کودتای نظامی با طراحی و کمک امریکا و انگلستان این عصر پر تحولات به پایان رسید.

تجزیه و تحلیل تحولات این دوازده سال به‌ویژه در مورد خرید کار بسیار گسترده و سترگی است و با آنکه منابع زیادی تاکنون در این باره به‌کار رفته است، بسیاری از جنبه‌های این مقطع کارهای بیشتری را می‌طلبد. در عین حال، باید اشاره کرد که تقریباً تمام آثار منتشر شده در این باره دربرگیرنده چند سال پس از آن و به‌طور مشخص سالهای ۱۳۳۰-۱۳۳۲ است. علت توجه به این سه سال می‌شدن نفت و کودتای ۲۸ مرداد است. هر چه به سالهای نخستین این مقطع نزدیکتر شویم با آثار و منابع کمتری رو به رو می‌شویم؛ چنانکه درباره سالهای نخست آن یعنی یکی، دو سال اول پس از رضا شاه آثار بسیار کمی وجود دارد. این مسأله تنها مشکل مورخان و علاقه‌مندان به این بخش از تاریخ معاصر ایران نیست. مسأله دیگر و اساسی‌تر آن

است که اساساً رویکرد ما به مقطع ایران پس از رضا شاه در حواله دادن همه تحولات و رخدادها به قدرتهای خارجی شامل انگلستان، شوروی سابق و سرانجام امریکا خلاصه می‌شود؛ یعنی سه قدرت اصلی که ایران را به اشغال خود در آوردند. آنچه در معادلات سیاسی در نظر گرفته نشده و مورد توجه نویسندگان ایرانی قرار نگرفته نیروهای داخلی و تأثیر عملکرد آنان در تحولات و رویدادهای کشور پس از سقوط رضا شاه است. در این رویکرد سنتی و در عین حال متداول، همه تحولات، کنش و کنشهای سیاسی، تصمیمات، اتفاقات، تغییر دولتها و کابینه‌ها، عملکرد احزاب، تشکلهای سیاسی و شخصیتها و در یک کلام، همه چیز نخست به انگلستان، سپس به روسیه و در مرحله بعدی به امریکا نسبت داده شده است.

حرف اساسی این کتاب آن است که نگرش ما به این بخش از تاریخ تحولات سیاسی ایران پیش از انقلاب و تغییر واقعیات منطبق باشد، ملهم و متأثر از گفتمان «توهم توطئه» و دیدن هر تحول و اتفاق سیاسی از منظر عملکرد قدرتهای خارجی در ایران است. رویکرد «توهم توطئه» در این کتاب «ارجحی - عامل - تغییر»، در سالهای نخست پس از سقوط رضا شاه در این محاسبات وارد بحث قرار گرفته و تلاش شده تا نشان داده شود که بر خلاف این باور که قدرتهای خارجی عامل همه چیز بوده‌اند، اتفاقاً عامل اصلی تغییر و تحولات سیاسی خود ما پیش از این بوده‌ایم. ما مدعی آن نیستیم که قدرتهای خارجی اساساً نقشی در این برهه نداشته‌اند؛ بلکه هر حال، ارتش آنان مقتدرانه خاک ایران را به اشغال خود در آورد و حکومتی را بر سر رضا شاه را ساقط کرد. آنان حتی سعی داشتند در ایران جمهوری برپا دارند و بدیهی است که در مسائل ایران پس از سقوط رضا شاه نمی‌توانستند بی‌نقش باشند.

هدف اصلی متفقین از اشغال خاک ایران تأمین امنیت و بهره‌برداری از خط طولانی کمک‌رسانی به جبهه‌های جنگ روسها در برابر آلمان بود. این خط استراتژیک و طولانی که بعدها به «پل پیروزی» معروف شد از بندرعباس و خرمشهر در جنوب ایران آغاز می‌شد و تا مرز ایران یا جمهوری آذربایجان در آستارا ادامه می‌یافت. از دید متفقین، رضا شاه و ارتشش به آلمان تمایل داشتند و بالطبع مانعی بر



سر راه آنان برای کمک‌رسانی به جبهه‌های جنگ روسیه به شمار می‌آمدند؛ از این رو، برای حصول اطمینان از امنیت «پل پیروزی»، پادشاه مقتدر و نیرومند ایران را کنار گذاشتند. البته آنان نمی‌توانستند نسبت به آنچه در تهران و در میان رجال سیاسی، نخبگان، گروه‌های قدرت و در جریانات سیاسی می‌گذشت بی‌اعتنا باشند. کمترین نگرانی متفقین از عملکرد حکومت ایران این بود که سوء مدیریت یا ناتوانی آن می‌توانست در امر کمک‌رسانی متفقین اختلال ایجاد کند. در مرحله بعدی متفقین خواهان حکومتی بودند که با آنان همراه باشد و همکاری کند. آنان همچنین دلیل حضور صدها هزار تن از قوای مسلح روسی و انگلیسی در ایران هزاران یکبار، مسئله، مشکل و درخواست از مقامات ایرانی داشتند. سرانجام می‌توان به مسوولان و نافع بلندمدت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کدام از متفقین در این شاخه اشاره کرد.

به سخن دیگر، ما بر این روی منکر ملاحظات و انگیزه‌های سیاسی و مطامع استراتژیک سیاسی و اقتصادی قدرتهای اشغالگر در ایران نیستیم. آنچه مسلم است هر یک از آن قدرتها بالطبع سرانجام و سیاستی را که در جهت منافع و مصالح کشورشان می‌پنداشتند به کار می‌گرفتند؛ با این حال، ضمن پذیرش حضور قدرتهای خارجی اشغالگر در ایران و تبعات آن، و آن است که آن است که عنصر اصلی تغییر و تحولات سیاسی، نخبگان سیاسی و صاحبان قدرت را در ایران بودند، نه قدرتهای خارجی. به سخن درست‌تر، ضمن پذیرش تأثیر حضور قدرتهای خارجی در روند تحولات ایران، تأثیر عملکرد خود ما بمراتب بیشتر از خارجها در دست است. هر چه از مقاطع اولیه شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضا شاه دور می‌شویم این تأثیرگذاری بیشتر می‌شود، برعکس باوری که در فهم معمولی تاریخی ما وجود دارد.

در کتاب حاضر برآنیم تا نشان دهیم، برخلاف دیدگاه رایج، در تغییر و تحولات سیاسی در سالهای نخست پس از سقوط رضا شاه بیشترین و عمده‌ترین سهم را خود ما ایرانیان داشته‌ایم. هدف دیگر ما بررسی و روشن ساختن چگونگی تحول و عملکرد ساختار قدرت پس از سقوط رضا شاه است. به سخن دیگر، برآنیم

تا نشان دهیم پس از سقوط ناگهانی رضا شاه ساختار قدرت چگونه تداوم پیدا کرد و حاکمیت سیاسی چگونه شکل گرفت؟ هر کدام از جریان‌های سیاسی، شخصیتها، نخبگان سیاسی و نهادهای سیاسی در ساختار قدرت چه نقشی داشتند؟ میزان تعامل هر یک از آنان با یکدیگر به چه صورتی بود و به زبان ساده‌تر، قدرت یا حاکمیت سیاسی پس از سقوط ناگهانی و غیرمنتظره رضا شاه به دست چه کسی یا چه کسانی افتاد. آنان چگونه حکومت کردند؟

صادق زیباکلام

۲۴ دی ماه ۱۳۸۲

www.ketab.ir